



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .ترم: بهمن سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹
 نام درس: **نماد شناسی** نام و نام خانوادگی مدرس: سیادتی
 آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: **نماد شناسی** .. مربوط به هفته : هفتم □ هشتم □ نهم □
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □
 تلفن همراه مدیر گروه :

بعضی راه‌هایی را که به کمک آنها می‌توانیم دروغ بگوییم (و عملاً هم می‌گوییم)، یا به عبارت مؤدبانه‌تر دیگران را با نشانه‌ها گمراه می‌کنیم، عبارت‌اند از:

مورد نشانه‌های گمراه‌کننده

| | |
|----------------|--|
| کفش پاشنه‌بلند | کوتاه‌قدها را بلندقد می‌کند |
| موی رنگ کرده | بلوندهایی که در واقع موخرمایی‌اند و نظایر این‌ها |
| بدلی | نظاها می‌کند به اینکه دکتر، قاضی و غیرهاست |
| جمل هویت | نظاها می‌کند به اینکه شخص دیگری است |
| تمارض | نظاها می‌کند به اینکه مریض است |
| تئاتر | نظاها به داشتن احساسات با عقاید خاص می‌کند |
| خوراکی | خرچنگ و میگو مصنوعی |
| خالی‌بندی | دروغ‌هایی که به مردم ضروری نمی‌رساند |

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که سرشار از نشانه‌هایی است که دروغ می‌گویند و گمراه می‌کنند.

نماد

واژه Sign در لغت به معنی نشان، علامت و نماد است و ریشه در ادبیات نشانه‌شناختی یونان باستان دارد. نماد، نشانه‌ای است که میان صورت و مفهوم آن نه شباهت عینی است و نه رابطه همجواری بلکه رابطه‌ای است قراردادی، نه ذاتی و خود به خودی. نشانه‌های نمادین را نشانه‌های غیرآیکونیک (Noniconic) و نشانه‌های طبیعی و نشانه‌های قراردادی و نشانه‌های وضعی نیز می‌نامند. مردم شناسان بر این باورند که معنی در ذهن به ظهور می‌رسد و از رفتار فرد سر برمی‌آورد. در تعریف معنی رابینسون بیان می‌کند، «معنی مجموعه‌ای از خصایص فرهنگی مرکب از پیوندهایی است که هر جامعه‌ای به آن نسبت می‌دهد. این گونه پیوندها ذهنی هستند و غالباً جنبه ناهشیارانه دارند و فقط به طور غیرمستقیم در رفتار آنان متجلی می‌شوند». از سوی ویلیام بی‌من به نقل از ترنر می‌نویسد: «نماد چه عینی و چه انتزاعی، از نظر کارکردی، سازوکاری است که در چارچوب یک نظام فرهنگی، پدیده‌هایی ملموس و عینی را به «معانی» مربوط می‌سازد. به اعتقاد محسنیان‌راد، نماد خود عامل زایش فرهنگ است آنجایی که پدیده‌های ملموس و عینی را در چارچوب یک نظام فرهنگی به معانی مرتبط می‌سازد. همانطور که اشنايدر فرهنگ را، نظامی از «نمادها و معانی» تعریف کرده است.



پروفسور دنیس استاد دانشگاه بوستون در کتاب "نشانه‌ها و رمزها، ارتباطات انسانی و تاریخچه آن"، درباره تفاوت انواع نشانه‌ها می‌نویسد: «علامه را حیوانات نیز به‌خوبی انسان درک می‌کنند؛ در حالی که نمادها این‌گونه نیستند. علامه عملکردی انحصاری دارند؛ در حالی که نمادها، نماینده معنای وسیع‌تر و حاوی واقعیت کمتری هستند. نشانه‌های تصویری مانند اصل خود هستند و در نتیجه متقاعدکننده‌اند و بدون توضیح تقریباً قابل درک اند، در حالی که نمادها منحصرأ از طریق قراردادهای اجتماعی مفهوم پیدا می‌کنند و غالباً از طریق آموزش مستقیم باید آموخته شوند. نمادها پیچیده‌تر از نشانه‌ها هستند.

شیوه‌های پیدایش نماد

نمادها به شیوه‌های مختلفی در آثار ادبی نمود پیدا می‌کنند.

- 1- گاه در تکبیت‌های مستقل و پراکنده و گاه در درون یک اثر ادبی حضور پیدا می‌کنند؛ مانند حیوانات موجود در مثنوی و در تکبیت‌های صائب تبریزی.
- 2- گاه در قالب یک داستان یا حکایت یا قصه مطرح می‌شوند؛ مثل بسیاری از حکایات و قصص مثنوی معنوی که در بردارنده پیام اخلاقی و عرفانی هستند.
- 3- گاه کل یک اثر ساختاری نمادین و تمثیلی دارد؛ مانند کلیله و دمنه نصرالله منشی و منطق‌الطیر عطار.

انواع نماد

نمادهای طبیعی

ارائه یک تصویر نمادین و رمزی از اشیای طبیعی، اعم از جماد و نبات و حیوان، در آثار همه شاعران و نویسندگان دیده می‌شود. بنابراین، طبیعت، بهترین ابزار و غنی‌ترین منابع را برای نمادپردازی در اختیار شاعران و نویسندگان قرار می‌دهد. مثل گل که نماد زیبایی است و زالو که نماد جنایتکار است. آب که نماد تطهیر، لاله، نماد پاک‌ی و جوانی و شهید است و یا آب که نماد آرامش، ملایمت، مداومت، آسودگی، صلح، هستی، هستی بخش، پاک‌ی و پاک‌کنندگی است. نمادهای طبیعی در بعضی موارد دوقطبی هستند و با توجه به زمینه کاربردی‌شان، معانی متفاوتی می‌یابند؛ چنان که آب در صورتی که به سیل یا طوفان تبدیل شود، می‌تواند عامل تخریب‌کننده نیرومندی باشد و بدین ترتیب، علاوه بر نمایش آسودگی و صلح، مظهری از وحشت و هرج و مرج نیز باشد.

نمادهای مستور یا اختصاصی

که تنها در اثر یک شاعر و نویسنده جنبه نمادین یافته است و وقتی از آنها اسمی به میان می‌آید زود آن نوشته به ذهن خطور می‌کند؛ مانند اشعار حافظ که پیرمغان، عشق، باده، خرابات، رند و... در دیوان حافظ از بسامد بالایی برخوردار است و تا حد زیادی زبان او را نمادین ساخته است.



نمادهای مرسوم

که بر اثر عمومیت یافتن نمادهای اختصاصی به وجود می آیند؛ مانند زمستان به عنوان نماد پیری، سردی، بی عاطفگی که این واژه را ابتدا اخوان در این مفهوم به کار برد، اما بعدها دیگران آن را پسندیدند و از آن استفاده کردند.

نمادهای فرهنگی

نمادهایی که برای توضیح «حقایق جاودانه» به کار می روند و هنوز در بسیاری از ادیان کاربرد دارند. نمادهای فرهنگی، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته اند و فرایند تحولشان کمابیش وارد خودآگاه شده است و بدین سان، جوامع متمدن آنها را به صورت نمایی های جمعی پذیرفته اند. نمادهای موجود در آیین ها و اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و نیز نمادهای مربوط به زایش دوباره... از این نوع اند. یکی از زیباترین و کارآمدترین طبقه بندی نمادها، جای دادن نمادها در دو نوع نمادهای فرارونده و نمادهای انسانی است. براساس این تقسیم بندی نماد عبارت است از حرکتی از گستره چیزهای مادی و احساس هایی که برمی انگیزند به سوی گسترده برداشت های انتزاعی و عواطف فردی، یعنی: از گستره بوها، منظره ها، آواها به سوی برداشت ها یا عواطفی که این عوامل برمی انگیزانند.

نمادهای قراردادی

طیف گسترده ای از نمادها قراردادی هستند، به نمادهایی اطلاق می شود که دلالتگر یک علامت اختیاری و قراردادی هستند، در رشته های مختلف علوم به صورت نشانه ها و علامت ها کاربرد دارند و اغلب محققان آنها را نشانه یا علامت می نامند نه سمبل؛ مانند نماد شیمیایی عناصر در جدول تناوب.

می توان گفت تقریباً تمامی نمادهای اجتماعی از این دسته هستند. بهترین نمونه آنها علائم راهنمایی و رانندگی است که تمامی رانندگان در آن وجه اشتراک دارند. شکل گیری نمادهای اجتماعی تابع شرایط اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و... است برای نمونه در کشور عربستان به لحاظ ویژگی طبیعی شتر از اهمیت خاصی برخوردار است لذا برای شناختن انواع آن بالغ بر پانصد اسم بوجود آمده است. در محیط اجتماعی در طول زمان بطور قراردادی بین اعضای جامعه بر سر شناختن یا نامیدن یا یادآوری لحظه ها، خاطرات، تاریخ و گذشته از کلمات یا حرکات رمزی استفاده می کنند که فقط برای افراد همان جامعه قابل درک و تفسیر است. مانند: نیمه شعبان، 22 بهمن، شب یلدا و... .

نمادهای انسانی

جنبه شخصی نمادپردازی است که در آن، تصاویر نمادین ملموس، بیانگر افکار و احساسات ویژه شاعر یا نویسنده است. به عبارت دیگر این نوع نمادها، احساس نهفته در پس تصویرها را القا می کند. اکثر نمادهای مربوط به کوزه در «رباعیات خیام» در این نوع جای می گیرند. اما در نمادپردازی «فرارونده» تصاویر نمادین ملموس بیانگر دنیایی معنوی و حقیقی اند که دنیای واقع در مقایسه با آن تنها نمودی ناقص به شمار می آیند.

نمادهای عرفانی و نمادهای فرهنگی را می توان از این نوع دانست.

ولینسکی درباره نمادهای فرارونده می گوید: «نمادپردازی عبارت است از ادغام دو جهان محسوس و الهی در تجسم هنری».



در توضیح نمادهای فرارونده باید گفت که در تفکر نمادین این گروه از نمادگراها و به خصوص در تفکر عرفانی همه چیز - حتی انسان - اصل و منشأ الهی و آسمانی دارند؛ چنان که مولانا می گوید: «این شخص تو، سایه تو است» و صاحب گلشن راز می گوید:

هر آن چیزی که در عالم عیان است

چو عکسی ز آفتاب آن جهان است

و همه عالم، کتاب حق تعالی به شمار می آید. از این چشم انداز، هستی معنایی عمیق و باطنی می یابد که به مراتب فراتر از تجربه های حسی و مادی است. ژول لوبل می گوید: «هر شیء مخلوق، همانطور که هست، انعکاسی از کمال الهی است. علائمی قابل ادراک و طبیعی است از حقیقتی فوق طبیعی، و سالوستیوس اظهار می دارد که «دنیا، شیء نمادین است.»

شعر عرفانی که قسمت عظیم اشعار ادبیات فارسی را تشکیل می دهد، نمادپردازی های عمیق فرارونده را دارد؛ زیرا به اعتقاد عارفان، همه چیز در جهان محسوس، اصلی الهی و نمونه ای ازلی دارد، جهان مادی جلوه و سایه ای از جهان معنوی است، اکثر آثار عرفانی را می توان بازنتاب مثالی و تصویری یک معنی و اندیشه ازلی به حساب آورد.

برای مثال در ادبیات فارسی منظومه منطق الطیر شیخ عطار نیشابوری که در شرح سفرنمادین پرندگان مختلف برای یافتن سیمرغ است، هر پرنده نماد دسته ای از مردم است.

با توجه به آنچه گذشت، می توان دریافت که نماد، معانی متنوعی دارد و درگستره وسیعی از دانش های بشری به کار می رود. با این همه، نمادگرایی در ادبیات از پیشینه ای طولانی برخوردار است و آنچه در ادبیات از این کلمه استنباط می شود، با کاربردهای آن در سایر دانش های بشری تفاوت دارد. به علاوه برای بالابردن ظرفیت زبانی، تصاویری در ادبیات به کار گرفته می شود که شباهت ها و تفاوت هایی خاص با نماد دارند. جدا ساختن نماد از تصاویر مشابه آن، نخستین گام در نمادپردازی آثار ادبی است.

نمادهای عرفانی

نمادپردازی عرفانی در شعر فارسی تقریباً با سنایی رسمیت یافت. پیش از وی، تصاویر نمادین در شعر شاعران عارف کاربرد بسیار اندکی دارد. البته ریشه همین تصاویر در سنت ادبی پیش از سنایی است. بنابراین، نمادپردازی در ادبیات عرفانی به یکباره و ارتجالی در آثار سنایی یا دیگران پدید نیامده است بلکه شاعران عارف برای رمزسازی از میراث ادبی کهن بهره های بسیار گرفته اند.

درواقع، پیش از سنایی استفاده از تمثیلات و اشاره های نمادین در نوشته های مشور عارفان فارسی رایج بوده اما سنایی، نخستین شاعر ایرانی است که در گستره وسیعی به ابداع نمادهای عرفانی در شعر فارسی پرداخته است. همچنین، وی کسی است که برای اولین بار عناصر اسطوره های ایرانی را، که زمینه ملی و افسانه ای داشتند، وارد ادبیات عرفانی و صوفیانه کرد.

بعد از سنایی، عطار در کتاب های مختلف خود، به ویژه منطق الطیر و مختارنامه، موفق به تدوین یک نظام نمادین منسجم شد و از رهگذر همین نظام نمادین، در میان شاعران عارف به سبکی تازه و یگانه دست یافت. مولوی بسیاری از نمادهای شخصی